

دلیم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---

این نوشتار بازنگرشی بر چکامه دوست ارجمندم سرور فرید صلواتی، بنام "دلیم گرفته از این افکار نجاتم بده" است. با پوزش از او برای دگرگون کردن چکامه ایشان (برای خواندن چکامه ایشان به پیوند زیر مراجعه فرمائید).

(<http://www.faridsalavati2.persianblog.ir/>)

شاپور سورنپهلو - آبانماه ۱۳۸۹



دلیم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده

از آدمهای دو رو، آدمهای پوشالی!

از تمام کسانی که کلاه و دستارشان برای سرشان گشاد است؛

از دینداران بی دین، از مومنان بی نور، از آخوندهای خونریز؛

از بی هویت های پشت میز نشین، از ماموران زورگو، از کارمندهای رشوه گیر؛

از روشنفکران تاریک اندیش، از متعصبین بی عقل، از خرافاتی های تهی مغز؛

از سانسورچیان، از قلم بدستان قلم شکن؛

از طلبه هایی که طالب همه چیزند الا علم؛

از دانشجویانی که دانش جو نیستند؛

از استادان بیسواد؛

از پیشکسوتان بی کسوت؛

از بله های اجباری، از هنرمندان بی هنر.



دلہم گرفته از دستِ آنان که نمی بینند و می گذرند، و از آنان که می بینند و می گذرند؛

از تمام کرهایی که سمعکهایشان مارک مصلحت خورده؛

از آنها که وقتی مرگ آزادیخواهی را می بینند، بی تفاوت از کنارش رد می شوند؛

از آنهایی که وقتی می شنوند وبلاگ نویسی در بند است می گویند: "سرش درد می‌کند، چشمش کور شده میخواس نویسه؛"

از رای های ممتنع و خثی، از بی تفاوتیها؛

از فعالین حزب باد؛

از دست کسانی که صبح گفتند درود بر مصدق و شب واسه مرگش کیسه دوخته بودند؛

از کسانی که صبح برای شاه جان میدادند، و عصر در پی جان گرفتنش بودند..

از آنان که مال و جان از کیسه خلیفه میبخشند؛

از آن بالانشسته های میدان که ندای لنگش کن سر میدهند: "تا چشمشون کور شه میخواستن نکنن! حالا بریزن بیرون، یه ملیون، دو ملیون، سه ملیون، بذار کشته بشن"، اینهم نسخه پیچی شان واسه آزادی!

از آن زودباورانی که ندای آزادی را هنوز در آیت الله بی بی سی میکاوند؛

از آنان که میوه درخت آزادی را در بمبهای خوشه ای آمریکایی می پویند؛

از آنان بدون برنامه میگویند: "این بره هر کی بیاد بهتره"، نمیدانند که از "بدتر هم میتونه بدتر بشه؟! ... صفویه میتونه قاجار بشه!"

از آنان که چشم به فردا دوخته اند و امروز را فراموش کرده اند.

**کیهان ۸ اسفند ۵۷**

ملکوتی دولت: برای کمرد آمدجا

**آب و برق مجانی میشود**

**امام خمینی: در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد**

اولین مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ایرانی

**دکتر محمد مکرری: جمهوری اسلامی با حکومت مذهبی تفاوت دارد**

مجلس سنا، حذف میشود، زمین‌ها ملی خواهد شد و احزاب چپ آزادی فعالیت

**کیهان ۱۹ بهمن ۵۷**

**شاهزادگان**

مازکسیست‌ها در آرزوی عقیدت‌زادند

مجلس شورای سلطنت

اصول یا به‌وضاحت‌ها، حکومت اسلامی

**حکومت اسلامی حکومت عقیده است**

کیهان ۳۰ بهمن ۵۷

دکتر کریم سنجابی: محتوی جمهوری اسلامی دموکراتیک است

**کیهان ۲۱ آذر ۱۳۵۸**

**امام: روحانیون نباید رئیس جمهور شوند**

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۵۸

یکشنبه ۹ دی ۳۵۸

حقوق ملت گرفتند به خود

خانه نخرید، همه را صاحب خانه می‌کنیم

حذف بده با فکری

تعلیمی است

امام خمینی: دیکتاتوری وجود ندارد

دکتر محمد مکرری: جمهوری اسلامی با حکومت مذهبی تفاوت دارد

مجلس سنا، حذف میشود، زمین‌ها ملی خواهد شد و احزاب چپ آزادی فعالیت

کیهان ۱۹ بهمن ۵۷

شاهزادگان

مازکسیست‌ها در آرزوی عقیدت‌زادند

مجلس شورای سلطنت

اصول یا به‌وضاحت‌ها، حکومت اسلامی

حکومت اسلامی حکومت عقیده است

کیهان ۳۰ بهمن ۵۷

دکتر کریم سنجابی: محتوی جمهوری اسلامی دموکراتیک است

کیهان ۲۱ آذر ۱۳۵۸

امام: روحانیون نباید رئیس جمهور شوند

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۵۸

یکشنبه ۹ دی ۳۵۸

حقوق ملت گرفتند به خود

خانه نخرید، همه را صاحب خانه می‌کنیم

حذف بده با فکری

تعلیمی است



دلَم گرفته از دست کسانی که مفتی - حرف نمیزند، ولی حرفِ مفت زیاد می‌زنند؛

از وعده های سر خرمن!

دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---

از گفته های پوچ و توخالی؛

از امام توی ماه، از دیدنی های ندیدنی؛

از نادیدنی های دیدنی؛

از ایرانی های ضد ایرانی؛

از آزادیخواهان ضد آزادی؛

از دینداران ضد خدا؛

از دست گورستان آباد کرده ها.

دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶



دلہم گرفته از دست‌بوسان دیروزی، رهبران امروز!

از عربده کشان دیروزی، رؤسای امروز!

از رنگ عوض کرده‌ها، سرخ و سیاه‌های دیروزی، شده اند سبز پوشهای امروز!

از دوتیغہ‌های دیروزی، شده اند ریش و پشمهای امروز!

از عرق سگی فروشان دیروزی، شده اند عزاداران حسینی امروز!

از قمه کشهای دیروزی، شده اند قمه برسرزنان امروزه؛

از شعبان بی مخ های دیروزی، شده اند اعضای حزبِ خدای امروزه؛

از مشتزنان دیروزی، شده اند نمایندگان مجلس امروزه؛

از دژخیمان دیروزی، شده اند رهبران جنبش سبز امروزه؛

از دست مارمولکهای خوش خط و خال.



دلہم گرفته از دستِ دستاربندانی که دم از استقلال میزنند و دستور از لندن میگیرند؛

از سیاستمداران خائن، از مبارزین وطنفروش؛

از تمام آنانی که دین و سیاست را یکی می دانند؛

از آنانی که در هر میدانی دم از پیروزی میزنند بجز میدان جنگ؛

از آنانی که وطن را غزه و لبنان و کوفه و کربلا می دانند؛

از رهبرانی که مظلومیتشان برای مردم فلسطین و لبنان است و ظلمشان برای ایرانی!

از آنان که فردا را، در عصر حجر میبینند؛

از آنان که در اندیشه صادر کردن همه چیزند، الا انسانیت و عشق؛

از آنان که حضور همه کس را حس می کنند جز خدا؛

از آنان که از همه شرم می کنند بجز خدا؛

از آنان که بنام خدا، بنده خدا می‌کشند؛

از فلسطینی ها، لبنانی ها و عراقی ها در پوشاک سربازان ایرانی.



دلہ گرفته از جنگل مناره ها، که حتی به اندازه یک فانوس دریایی خاموش کارایی نجات ندارند؛

از سفره های رنگینی که بر روی شکمهای گرسنه پهن شده اند؛

از گلدسته ها و گنبد های طلا، که بر خون مردم بنا گشته اند؛

از تمام کسانی که رسالت خون را تنها در رساندن اکسیژن به سلولها می دانند؛

از تمام خونهایی که رنگین ترند؛

از آنان که خوبی شان برای غریبه است، و بدی شان برای خودی؛

از آنان که دشمن دوستند، و دشمن دوست؛

از آنان که آزادی را در اسارت بی بند و باری به بند می کشند؛

از آنان که نابودی آتشگه و مسجد و میخانه را در سر دارند؛

از دست کسانی که هر کس را خواستند شهید دانستند، و کسان دیگر را یا مرده یا به درک واصل شده؛

از تمام کسانی که در واژه نامه های ذهنشان، بین مظلوم و توسری خور علامت تساوی است.

دلہ گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶



دلہ گرفته از دستِ نظامی که بجای دست گیری، دستگیر می کند؛

از آنان که آزادی را لگام گسیختگی میخوانند، و آزادی بیان را دهن چاکیه؛

از آنان که خرافات را دین میپندارند؛

از آنانی که برابری را دو نوک تیز ذوالفقار میجویند؛

از آنان که طناب دار را عدالت می خوانند؛

از آنان که سنگسار را رستگاری میدانند؛

از آنان که میپندارند که نماز خواندن، خداپرستی است؛

از آنان که میپندارند مهر کردن پیشانی با ریگ داغ، ویزای سفر به بهشت است؛

از آنان که میپندارند شلاق زدن و خوار کردن، کاریست خدایی؛

از آنان که میپندارند که کور کردن و دست بردن بنده خدا، از بهر خوشنودی خداست؛

از کسانی که "النظافت الامن الایمان" شعارشان، و "الکثافت الامن الایمان" هستی شان است؛



دلہم گرفته از دست کسانی که مسلمانی را با غربزدگی تفاوت نمیدانند؛

از کسانی که پیشرفت را با غربزدگی یکی میدانند؛

از کسانی که پیشرفت را با غربزدگی می خواهند؛

از کسانی که از واژه های عربی را از ته حلقوم بیرون می کشند و دم از پارسی میزنند؛

از کسانی که بنام دین تغذیه میکنند، در راه خدایش میخوانند؛

از کسانی که هفتاد و دو تن در کربلا را اسیر میخوانند، ولی قادیسیه و نهاوند را کار مردان خدا میدانند،

تجاوز به فرزندان ایران را ثواب میدارند،

شکنجه و غل و زنجیر را کار خدایی مینامند؛

از کسانی که نامسلمانان را نجس میخوانند و

چون خدا را گونه ای دیگری ستایش می کنند، خانه و کاشانه ویران می کنند - زمینها را غارت می کنند؛

از کسانی که آبادانی را در نابودی می بینند؛



دلّم گرفته از سگهای بی وفا، از اسبهای نانجیب، از خروسهای بی محلا؛

از مورچه های تنبل و بی کار، از زنبورانی که همه چیز دارند الا عسل، از گرگان در لباس میش؛

از اُشترانی که از شتر بودن تنها کینه ورزیدنش را یاد گرفته اند؛

از خرسهایی که از خرس بودن تنها بخل ورزیدنش را فرا گرفته اند؛

از شیرهایی که از شیربودن تنها نعره اش را آموخته اند؛

از گاوهایی که هیچ ندارند الا دو شاخ؛

از شتر مرغها که نه می بَرند و نه می پرند؛

از پُشتهایی که همیشه رو در روی دشمن اند؛

از آنان که درد دلشان را به درد شکمشان فروخته اند؛



دلَم گرفته از دستِ آنان که مظلومان را در کربلا جستجویی کنند و ایران را تنها در نقشه؛

از ساده لوحانی که بدنبال آینده در فنجان قهوه، یا غزلهای دیوان حافظ میگردند؛

از آنانی که درد و دل کردن با خدا را در عریضه نویسی میبینند؛

از چشמהایی که توحش را قرآن سر نیزه در صفین میبینند، و در تیسفون و ری، سرهای ایرانیان را بر سر نیزه‌ها ندیدند؛

از سنگدلانی که شادیشان، تماشای دار زدگان در حال جان کندن اند؛

از آنانی که در واژه‌نامه‌های وجودشان بین نجابت و سرکوفت، بین عفاف و حجاب، بین زن و ضعیفه علامت تساوی است؛

از آنانی که با شنیدن نام «زن» تنها به یاد شام شب یا زیرشکم می‌افتند؛

از آنانی که با شنیدن نام «شیرزن» زن شیرده در خاطرشان زنده می‌شود؛

از آنانی که نام «برادر» را با «چماق‌دار» یکی کردند؛.

دلیم گرفته از دست آن نوآمدگانی که میپندارند اندیشه و گفتار و کردار نیک‌شعارند؛

از کاسه‌های داغتر از آتش؛

از آنانی که با شنیدن نام «خرد دل» به یاد «خردل» و چاشنی غذا می افتند؛

از آنانی که خود را ایرانی مینامند و آن چه خود دارند ز بیگانه تمنا میکنند؛

از کسانی که سر سفره اسکندر می نشینند، و دم از کوروش می زنند؛

از آنان که باربد و نکبسا را به کرشمه عربی می فروشند؛

از آنان که نوروز و مهرگان و سده را به قربان و فطر و کریسمس می فروشند؛

از آنانی که «سپندار مذگان» ایرانی را به «والنتاین» رومی می فروشند؛

از بیمایگانی که با فرزندان خود بزبان بیگانه سخن میگویند و تجدّد اش میپندارند؛

دلّم گرفته از دست خودباخته گان - اکبرها و اصغرهای دیروزی، الّکس ها و تُونی های امروزی؛

از خواننده های شیره ای، همینطور هم اطفاری؛

از گوینده های لوس و چاپلوس؛

از مردهای بزک کرده و زیر ابرو برداشته، از پیرعروسکهای بالماسکه ای؛

دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---

از لهجه عوض کردنها، از ادا و اصولهای فرنگی؛

از زنان بد دهن، مردان بی تودهن همراه با دست بزَن.



دلہم گرفته از دست دشمنان در لباس دوست؛

از آنان که از آب زلال آب می خورند و از آب گل آلود نا؛

از دلال هایی که در کار فروش 'وطن' اند؛

از خنجرهای که بر پشت می نشینند؛

از آنانی که نفاق میکنند و دم از اتحاد میزنند؛

از قیچی بدستانی که دم از «آزادی قومی» میزنند؛

از کسانی که آبادانی را در نابودی می بینند؛

دلہم گرفته از دست همه چیزداران بی همه چیز؛

از امانت داران خائن؛

از کنهای روی آب؛

از پهلوانان بُدک؛

از سگهای برادر شغال؛

از دگترهای بدون مدرک؛

از فخر فروشان بی فخر؛

## از زنگارهای روی آینه؛

از تمام مجدوبین باغهای سبز که هیچ گاه توی باغ نیستند.

از آنان که بازی می دهند، از آنان که بازی می خورند

از بازی ها! از بازی ها! از بازی ها! دلّم از دست خودم و همه گرفته

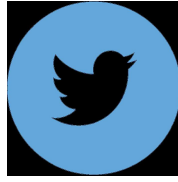
کجایی ای خدای موسی و شبان، که ایرانم را بنامت ویرانستان کردند... ترسم ز اینکه ایرانم را ایرانستان کنند؟



دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---



دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---

#419ab3

دلہم گرفته از این اندیشه ها نجاتم بده!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو  
دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۴۶

---

□